

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

National and Revolutionar Characters

afgazad@gmail.com

شخصیت های ملی و انقلابی

محمد شریف منصور

۲۵ جون ۲۰۲۲



شریف منصور

زندگینامه حکیم ناصر خسرو بلخی

(قسمت چهارم)



در قسمت قبل گفتیم که ناصر خسرو در یمگان زندگی سختی داشت و از تنهایی و بی کسی رنج می برد. ناگفته نباید گذاشت که اگرچه تحمل غم غربت و تنهایی و دوری از دوستان و خانمان بر ناصر خسرو دشوار بوده اما چنان که می نماید او غم دیگری هم داشته است و آن این که دشمنانش تنها به جرم عقیده اش بر او سخت می گرفته اند و با دزدان و میگساران کاری نداشته اند:

من به یمگان به بیم و خوار و به جرم

ایمن اند آن که دزد و می خوارند [۱]

در بلخ ایمن اند ز هر شری

می خوار و دزد و لوطی و زن باره

ور دوستدار آل رسولی تو

چون من ز خاندان شوی آواره [۲]

با وجود همه این ها، خسرو خودش را دلداری می داد و توانسته بود که کم کم بر دلتنگی چیره شود:

دلتنگ مشو بدانکه در یمگان

ماندی تنها و گشته زندانی [۳]

با گشت زمان نیست مرا تنگدلی

کایزد به کسی داد جهان سخت ملی [۴]

خسرو در یمگان در پهلوی آن که به نوشتن کتاب و سرودن شعر مشغول بود با جدیت مردم را به مذهب اسماعیلیه

دعوت می کرد و این کار را از طریق فرستادن مکتوب های دعوت به گوشه و کنار خراسان انجام می داد:

هر سال یکی کتاب دعوت

به اطراف جهان همی فرستم [۵]

و سرانجام به خاطر تبلیغات او تعداد زیادی از مردم خراسان مخصوصاً اهالی تخار به مذهب اسماعیلیه گرویده و به

الناصریه مشهور شده بودند. [۶]

حکیم بالاخره در سال ۴۸۱ هجری قمری پس از دهه ها زندگانی توأم با رنج و درد، در یمگان دار فانی را وداع گفت.

پیکر حکیم را در یمگان به خاک سپردند و یمگان آرامگاه ابدی او شد. درباره سال های آخر زندگانی حکیم به جز

اطلاعاتی که از اشعار او کسب کرده ایم جزئیات دیگری در اختیار نداریم. با توجه به اشعار او می توان گفت که وی

در کهنسالی دار فانی را وداع گفته است:

به صحبت با چنین یاری به یمگان

به سر بردم به پیری، روزگاری [۷]

با وجود آن که سالها از مرگ ناصر خسرو می گذرد اما وی هنوز از دست مخالفانش آسایش ندارد، چند سال قبل چند

نفر به آرامگاه ناصر خسرو حمله کردند و دروازه آرامگاه را شکستند و حتی آیت های قرآنی که در آرامگاه بود را

کندند پس از آن پارچه های ابریشمی قدیمی روی مرقد را پاره کردند. آن ها به این کارها اکتفاء نکرده و می خواستند

آرامگاه را ویران کنند که خوشبختانه مردم مداخله کردند و جلوی آنها را گرفتند.

آثار ناصر خسرو:*

۱. سفرنامه
۲. جامع الحکمتین
۳. روشنائی نامه
۴. سعادت نامه
۵. خوان الاخوان
۶. وجه الدین
۷. زاد المسافرین
۸. بستان العقول
۹. دلیل المتحیرین
۱۰. دیوان اشعار

۱۱. دیوان اشعار عربی

۱۲. گشایش و رهایش

به جز موارد بالا تألیفات دیگری را هم به ناصر خسرو منسوب کرده اند که آنها را هم نام می بریم :

۱. رساله المستوفی

۲. رساله سر الاسرار

۳. رساله اکسیر اعظم

۴. رساله قانون اعظم

۵. رساله دستور اعظم

۶. سفرنامه شرق

۷. رساله کنز الحقایق

۸. رساله در علم یونان

*: متأسفانه از بعضی از آثار ناصر خسرو ما فقط نام های شان را می دانیم و از خودشان اثری برجای نمانده است و ممکن است که به استثنای آن ها، کتاب های دیگری هم توسط خسرو به نگارش درآمده باشد که ما از وجود آن بی خبریم.

پایان

منابع:

۱- دیوان ناصر خسرو، نسخه الکترونیک، مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان، قصیده شماره ۷۲ ص ۱۱۰

۲- همان، قصیده شماره ۲۱۰، ص ۲۸۴

۳- همان، قصیده شماره ۲۲۸ ص ۳۰۴

۴- قصیده شماره ۴ ص ۳۶۷

۵- نفس سخنگوی در اندیشه مانوی و ناصر خسرو اسماعیلی، حمیدرضا اردستانی رستمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱

۶- بیان الادیان، فقیه بلخی، به تصحیح محمد تقی دانش پژوه، چاپ اول، ۱۳۷۶ باب چهارم ص ۷۳

۷- دیوان ناصر خسرو، قصیده شماره ۲۳۳، ص ۳۱۰